

پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل از سوی جمهوری اسلامی ایران و توقف جنگ، چندین دور مذاکره میان ایران و عراق پیرامون اجرای بندهای قطعنامه با نظارت سازمان ملل و شخص دبیرکل در شهرهای ژنو و نیویورک انجام گرفت اما نتیجه‌ای دربرداشت؛ تا آنجا که در سوم اردیبهشت ۱۳۶۸ در آخرین دور مذاکرات، دبیرکل سازمان ملل توقف و شکست مذاکرات را اعلام نمود. صدام در ۱۵ دی ماه ۱۳۶۸ طی پیامی طرح صلح تازه‌ای را به ایران ارائه کرد اما از آنجایی که تأمین‌کننده منافع کشورمان نبود از سوی مسئولان رد شد. در آستانه تهاجم ارتش عراق به کویت و اشغال این کشور، بار دیگر صدام به‌منظور بازگرداندن تعداد قابل توجهی از نیروهایش که در اسارت ایران بودند و همچنین آسودگی خیال از مرزهای شرقی خود تلاش تازه‌ای را در قالب نامه‌نگاری به مسئولان کشورمان آغاز کرد و ابتدا سعی کرد از موضع طلبکارانه ضمن کسب امتیازهایی از ایران به اهداف خود در تهاجم به کویت نیز نائل آید. اما هوشمندی مسئولان عالی‌رتبه کشور ورق را برگرداند و یانددبیرو بکارگیری شیوه‌ای مؤثر پیروزی دیگری این بار در عرصه دیپلماسی به‌دست آمد که دستاوردهای بسیاری را به‌همراه داشت که از جمله آنها آزادی و بازگشت ۴۸ هزار آزاده سربلند ظرف یک ماه بود. پیرامون مراحل و چگونگی این موفقیت بزرگ که به دیپلماسی نامه‌نگاری شهرت یافته گفت‌وگویی را از راه دور با آقای دکتر جاوید قربان اوغلو از فعالین عرصه سیاست خارجی و استاد دانشگاه انجام داده‌ایم که فرازهای مهم آن از بی‌بی‌آی.



ارزیابی زوایای پیچیده دیپلماسی از راه دور در گفت‌وگو با **جاوید قربان اوغلو** کارشناس مسائل سیاسی ایران

بازگشت گروهی آزادگان حاصل دیپلماسی گفت‌وگو

■ در موضوع نامه نگاری صدام با مسئولان کشور، باوجود آنکه اولین نامه را صدام حسین رئیس‌جمهوری عراق خطاب به مقامات عالی‌رتبه کشورمان نوشت، اما در ادامه این مسئولان ما بودند که ابتکار عمل را در دست گرفته و کار را پیش بردند. آیا این به دیپلماسی ما بازمی‌گردد یا به نتایجی فردی؟

من فکر می‌کنم در یک جمع‌بندی بشود گفت هر دو مورد صحیح است. اما یکی از این دو می‌تواند برجسته‌تر باشد. صدام در یک مقطعی بنا به دلایلی در ۵ اردیبهشت سال ۶۹ شروع می‌کند به نامه نگاری با مسئولان عالی‌رتبه کشورمان. بار اول که نامه می‌فرستد، مخاطبانش رهبر انقلاب و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی‌اند. نامه توسط فرستاده‌ای که نه عراقی، بلکه فلسطینی است همراه با یادداشتی از یاسر عرفات به دست مسئولان می‌رسد. این نامه نگاری‌ها نهایتاً تا اواخر مرداد همان سال منجر به دو تحول مهم شد که یکی آزادی اغلب اسرای دو کشور و دیگری پذیرش معاهده ۱۹۷۵ الجزایر و تأیید صحت آن از سوی دولت عراق بود. این درشرایطی اتفاق افتاد که جنگ و تهاجم عراق برای نادیده گرفتن این معاهده بین‌المللی بود، اما چگونه چنین چیزی رقم زده شد؟! اولاً تصمیم درمورد اینکه آیا به نامه‌ها پاسخ داده شود یا نه، نشود، یا چطور پاسخ داده شود، در شورای امنیت ملی بحث و تصمیم‌گیری می‌شد، دراین میان یک روال بوروکراتیک وجود داشت که به‌طور طبیعی مراحل خود را طی می‌کرد. اما یک روال بالاتر از بوروکراتیک هم بود که سیاست ورزی می‌کرد و طی آن یک تصمیم عملیاتی می‌شد. عملیات

گروه رجوی بعد از پذیرش قطعنامه به باعملیات مرصاد پاسخ داده شد، بدبینی و یک جو بسیار سنگینی علیه رژیم بعث عراق و شخص صدام حسین در درون جامعه ایجاد کرد. تحت تأثیر این جو بعضی نیزبا هرگونه مذاکره‌ای با صدام مخالف بودند. این افراد حتی مخالف مبادله نامه ویا هرگونه مراده و ارتباطی با صدام حسین بودند. اگر یادتان باشد مرحوم آیت‌الله هاشمی در کنفرانس سنگال مذاکراتی با امیرعبدالله که آن زمان شاهزاده عبدالله بود انجام داد که منجر به عادی شدن روابط برای مدتی شد. بنابراین در پاسخ سؤال شما بایستی بگویم، درعین آنکه بوروکراسی در تصمیم‌گیری مؤثر بود اما نقشی بیش از ۲۰ درصد نداشت و آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در تصمیم‌گیری‌ها در ارتباط با دیپلماسی از راه دور با صدام حسین داشت. **■ نکات قابل تأمل در نامه‌های صدام و پاسخ‌های مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی هریک به طور مجزا چه بود؟**

در مجموع صدام حسین شش نامه ارسال کرد که خطاب نامه‌های اول، دوم و سوم رهبر انقلاب و آقای هاشمی توأمان بودند. ولی همه نامه‌ها را آقای هاشمی جواب می‌داد. آقای هاشمی پاسخ نامه‌های اول و دوم را نوشت اما به این روال ادامه نداد و نامه سوم و چهارم صدام حسین را بی جواب گذاشت. اما با تغییر لحن نامه‌های پنجم و ششم پاسخ آنها را داد. برای تحلیل محتوای نامه‌ها اگر بخواهیم به ویژگی‌های مهم آنها اشاره کنیم باید بگوییم نامه اول صدام که توسط یک فرستاده فلسطینی ارسال شده بود، سعی شده بود هم زبان

تلطیف به کار گرفته شود، هم زبان تهدید. تلطیف از این جهت که رئیس جمهوری کشوریمان عراق که ۸ سال با ما جنگیده بود، ابتکار عمل به خرج داده و نامه‌ای فرستاده بود. اما از آن جهت تهدید بود که در نامه اول تصریح شده بود که اگر ما نتوانیم مسائل مان را حل و فصل کنیم و به توافق نرسیم، دوباره جنگ آغاز می‌شود که دراین بیان تهدید وجود داشت. لازم به یادآوری است که آن زمان ما در شرایطی نه جنگ، نه صلح به سر می‌بردیم و قسمت‌هایی از اراضی کشورمان هنوز در اشغال عراق باقی مانده بود. دراین میان مذاکرات اولیه با میانجیگری دبیرکل وقت سازمان ملل، آقای خاویرپرز دکوئیار، هم راه به جایی نبرده و توفیقی به دست نیآورده بود. ازاین رو شکست مذاکرات اعلام و به تفاهمنامه‌ای بین ایران و عراق منجر نشده بود. درآن شرایط ما در موضعی نبودیم که بخواهیم حمله کنیم، چون قطعنامه را پذیرفته بودیم و برای بازپس‌گیری سرزمین‌های باقی مانده در اشغال راهکار نظامی وجود نداشت. از همه این‌ها مهم‌ترعزیزان آزاده ما که هم خود و هم خانواده‌هایشان در رنج بودند و بایستی هرچه زودتر از اردوگاه‌های عراق به آغوش میهن و خانواده بازمی‌گشتند. از این جهت که مدیریت موضوع واستمرار دیپلماسی از راه دور در عین تحمیل اقتدار و صلابت جمهوری اسلامی به طرف عراقی باید ادامه می‌یافت. همچنین بایستی مراقبت می‌شد صدام به موضع منفی نیفتاده و از ادامه نامه‌نگاری‌ها منصرف نشود. عراق در آستانه حمله به کویت به اسیرانش که در ایران بودند و تعداد آنان نیز قابل توجه بود احتیاج

داشت در عین حال در وضعیتی قرار داشت که نیازمند آسودگی خیال ازجانب مرزهای شرقی خود می‌بود. با وجود این، زبان تلطیف و تهدید را توأمان برگزیده بود. زمان آغاز نامه نگاری‌های صدام، اشغال کویت هنوزطرحی در ذهن وی بود و داشت برایش برنامه‌ریزی می‌کرد. جالب اینکه در نامه اول عجله صدام حسین برای حل و فصل مسائالش با ایران کاملاً مشخص است. وی در این نامه به ما را کشته و دستش به خون هموطنان ما آلوده است با هرگونه مراده و مکاتباتی با صدام مخالف بودند واز وی با عنوان آزاد شوند و باقی مسائل را حل کنیم. همچنین چون آن ایام همزمان با ماه مبارک رمضان بود پیشنهاد می‌کند که دو روز بعد از عید فطر در مکه مکرمه رهبران ایران و عراق با یکدیگر ملاقات و به حل مسائل بپردازند.

■ **آیا می‌توانیم از این مقطع به‌عنوان دوره‌ای خاص یاد کنیم که در روندهای معمول کمترپیش می‌آید؟**

به‌نظر من هریک از وقایع تاریخی درسی می‌آموزند و برای مسئولان آن کشورها الگو و راهنمایی برای عبور از بحران محسوب می‌شوند. این‌طور نیست که یک واقعه‌ای رقم بخورد و تمام شود، نه! من براین باورم که اگرعقلائیتی در رأس این کار نبود این کار به نتیجه نمی‌رسید. فراموش نکنیم که یک سال قبل از پذیرش قطعنامه کسی جرات نمی‌کرد در ارتباط با قطعنامه کلامی برزبان آورد. به یاد دارم افرادی را که قطعنامه را نمی‌گفت من این معاهده بین‌المللی واگر کاریزمای امام(ره) نبود پذیرش قطعنامه مشکل بود. نظام این تصمیم را به

انکای نفوذ معنوی امام خمینی (ره) گرفت



واین نفوذ امام بود که بسیاری را به تبعیت واداشت. اگر شخصیت امام از تصمیم پذیرش قطعنامه حمایت نمی‌کرد معلوم نبود در ادامه نیز جو جامعه اجازه دهد که مذاکراتی انجام شود. بنا براین نمی‌توان گفت واقعه‌ای تاریخی دریک زمانی اتفاق افتاده و دیگر تاریخ مصرف آن به پایان رسیده و اقتضای شرایط آن دوره بوده است بلکه برعکس درس‌های زیادی برای ما دربردارد. اولین درس آن این است که می‌شود با دشمن مکاتبه کرد. این مکاتبات دستاوردهایی برای ما داشت. اولاً چند هزار از اسرای ما آزاد شدند. این برای مردم ما بسیار مهم بود. همچنین ما توانستیم قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را که عراق به‌دلیل تحمیلی دانستن آن با ما جنگید، تثبیت کنیم. درابتدای جنگ صدام می‌گفت من این معاهده بین‌المللی را قبول ندارم ولی در این مقطع آن را پذیرفت این دستاورد کمی نبود که نصیب ما شد. یکی از دستاوردهای بزرگ تاریخ ایران

نه حتی جمهوری اسلامی، پذیرش مجدد و تثبیت معاهده ۱۹۷۵ الجزایر از سوی عراق است. دراین معاهده صدام وادار به تن دادن به سندی شد که از زمان قاجار مورد اختلاف مرزی بود. الان هم با وجود تثبیت این معاهده رهبران عراق روی خوشی به این معاهده نشان نمی‌دهند. هنوز هم این معاهده در عراق مورد نقد قرار دارد. بنابراین نشان داده شد که دیپلماسی می‌تواند راه حلی بیابد و با به کارگیری دیپلماسی می‌توان به پیروزی‌های بزرگ دست یافت. اگر در سال‌های اولیه جنگ ایستادیم و جنگیدیم آنجا برای این بود که باید از خودمان دفاع می‌کردیم. آنجا نمی‌جنگیدیم بلکه دفاع می‌کردیم. دیپلماسی هم ادامه همان دفاع مقدس و شرافتمندانه که می‌تواند در راستای تأمین صلح عزت‌مند و حفظ تمامیت ارضی و آرامش و آسایش عمومی وارد میدان شده و در صورت نیاز به گفت‌وگو نیز مبادرت کند. در این مکاتبات این مهم به وضوح نشان داده شد و به نظر من یکی از دستاوردهای بزرگ دیپلماسی نامه و یا از راه دور بود.

■ **چرا در این مقطع موضوع تعیین متجاوز و همچنین غرامت ایران در جنگ تحمیلی مطرح نشد؟**

هریک از دو کشور به‌دنبال هدفی خاص بودند که حاصل آن برای هردو طرف بیرون آمدن از بن‌بست بود، چرا که پیش از آغاز این مکاتبات، مذاکرات قطعنامه ۵۹۸ به بن‌بست برخورد بود. خروج از آن وضعیت نیز در نتیجه نرشم‌هایی بود که طرفین با انگیزه تأمین هدفی بزرگ‌تر از خود نشان دادند. در ابتدا صدام حسین در نامه‌هایش اصرار داشت که مذاکرات زیر نظر سازمان ملل نباشد. برعکس آقای هاشمی اصرار داشت که هرگونه مذاکره‌ای باید در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و زیر نظر رئیس سازمان ملل انجام پذیرد. در نهایت صدام حسین نظر ایران را پذیرفت که این خود دستاورد دیگری در این مقطع بود. موضوع دیگر بند ۸ قطعنامه بود که مربوط به پرداخت غرامت است که طرح آن در این مرحله می‌توانست به اصل مذاکرات از راه دور لطمه زده، مکاتبات را متوقف و اجرای قطعنامه را همچنان در بن‌بست نگه دارد. بنابراین مطرح شدنش در آن مقطع موضوعیت نداشت. کما اینکه در ادامه نامه نگاری‌ها معلوم شد تصمیم درستی بوده و دستاورد بزرگی همچون تثبیت قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر را به همراه داشته است. در آن مرحله قبل از هر چیزی مهم این بود که صدام در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ پای میز مذاکره بیاید و مطالبات ایران در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ پیگیری شود. معلوم بود تعیین متجاوز و تعیین غرامت هم می‌رسید. علت اینکه ایران در این مقطع بر این موارد پافشاری نکرد این بود که می‌دانست طرح خام این موارد می‌تواند مذاکرات را متوقف کند. بنا براین با یک استراتژی کاملاً سنجیده مذاکرات را پیش برد و هدف را در درجه اول آزادی اسرای ایرانی قرار داده و در مرحله بعد وادار کردن طرف عراقی به پذیرش معاهده ۱۹۷۵ بود. اگر چنانچه آقای هاشمی وارد فازی می‌شد که صدام را عصبانی می‌کرد، احتمال پیشرفت مذاکرات و نائل آمدن به موفقیت بسیار کم و طرح تعیین متجاوز و غرامت نیز نتیجه‌ای در برنداشت. شاید به این دلیل بود که در این مذاکرات موضوع غرامت مطرح نشد تا ابتداعهدنامه ۱۹۷۵ تثبیت شده و آنگاه در چارچوب قطعنامه ۵۹۸ و زیر نظر رئیس سازمان ملل در مراحل بعد سایر مطالبات ایران مطرح و پیگیری می‌شد.

پایان انتظار در نقطه صفر مرزی

کمال‌الدین شاهرخ



یکی از روزهای به یادماندنی، فراموش نشدنی و تاریخی برای مردم ما بعد از ۸ سال دفاع مقدس، روز ۲۶ مردادماه ۱۳۶۹ سالروز ورود آزادگان به میهن اسلامی است. هرچند که جای خالی امام راحل، به‌وضوح دیده می‌شد. در برخی مسیرها جاده بواسطه انبوه جمعیت استقبال‌کننده‌ها بسته به‌عنوان عکاس مقدس که سال‌ها در کنار رزمندگان به ثبت تصاویر رشادت‌های آنها می‌پرداختم به همراه چند نفر از دوستان همکار برای ثبت لحظه ورود آزادگان از تهران به سمت مرز خسروی حرکت کردیم. صبح روزی که قرار بود تبادل انجام گیرد پس از چند ساعت وقفه در تبادل اسرا انتظار به سر رسید و اولین اتوبوس حامل این عزیزان وارد نقطه صفر مرزی شد. آزادگانی که سراز یا نمی‌شناختند و پس از جابه‌جایی از اتوبوس اغلب آنها در خاک میهن عزیزمان سجده شکر بجا می‌آوردند و جالب اینکه از ما درخواست عکس حضرت امام و پرچم مقدس جمهوری اسلامی را داشتند و از این فرصت دوباره برگشت به میهن اسلامی اشک شوق می‌ریختند. ساعت‌ها این تبادل صورت گرفت و ما شاهد این شوق وصف‌ناپذیر بودیم. در مسیر که به همراه آنها به‌سمت فروگاه کرمانشاه حرکت می‌کردیم مردم را می‌دیدیم که با اشتیاق فراوان ساعت‌ها در کنار جاده منتظر دیدن این عزیزان بودند. در برخی مسیرها جاده بواسطه انبوه جمعیت استقبال‌کننده‌ها بسته شده بود و درخواست داشتند تا آزادگان را از نزدیک ببینند این شور و اشتیاق روزها و ماه‌ها ادامه داشت و مردم در استقبال از این عزیزان سراز یا نمی‌شناختند. آزادگانی که بعد از شهدا و جانبازان از جایگاه ویژه‌ای نزد ملت شهیدپرور ما برخوردارند.



و انکدر و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه صدام این کار را نکرد و اسامی تعداد زیادی از اسرا را نه به اطلاع صلیب سرخ، نه به اطلاع خانواده‌هایشان می‌رساند. خانواده‌هایی که بشدت نگران بودند و استرس داشتند و نمی‌دانستند که مدتی از او خجسته شده در جبهه شهید شده یا به اسارت درآمده است. وقتی تبادل اسرا به‌صورت گروهی شروع شد، اکثر خانواده‌ها به عکسی از عزیزانشان در کنار مسیر اتوبوس‌ها با شوق و شغف و گریه و استرس می‌ایستادند و عکس‌ها را به آزادها نشان می‌دادند که این عزیزان را شما ندیده‌اید؟ همه، عکس و فیلم‌هایی از این صحنه‌ها دیده‌ایم که خانواده‌های منتظر با التماس دور اتوبوس‌ها می‌چرخیدند و از اسرا می‌خواستند تا خبری از عزیزانشان بدهند. در این میان می‌خواهم اشاره کنم به اسیری که کمتر راجع به اوصحت شده است. آزاده شهید حسین لشکری که در ۲۷ شهریور سال ۵۹ هنگام مأموریت شناسایی، عراق می‌پایست برابر قوانین نگهداری اسرا اسامی تمامی اسرا را ثبت می‌کرد و به اطلاع کشور مقابل می‌رساند اما متأسفانه